

جوامع روایی فریقین و گزاره نقصان ایمان زنان (گونه‌ها، مصادر و اسناد)

محمد حسین ناظمی اشنی (کارشناس ارشد علوم و معارف نهج البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث)

m.h.n.ashani@gmail.com

مهدی مردانی گلستانی (عضو هیات علمی دانشگاه قرآن و حدیث)

mardani.m@qhu.ac.ir

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱۸)

چکیده

کاستی ایمان زنان گزاره‌ای است که در خطبه هشتاد نهج البلاغه و برخی دیگر از روایات اسلامی آمده و از دیر باز با چالش‌ها و ابهامات فراوانی همراه بوده است. بدیهی است که خاستگاه این نگره را باید در متون روایی فریقین ردیابی کرد. این گزاره روایی زمانی اعتبار لازم برای تحلیل و استناد در آموزه‌های دینی را پیدا می‌کند که از حیث اسناد و مصادر شرایط اعتبار را داشته باشد. از این رو، این مقاله کوشیده است تا علاوه بر گونه‌شناسی روایات کاستی ایمان زنان، به اعتبارسنجی سندی و مصدری آنها بپردازد که در نهایت اعتبار نسبی اسناد و مصادر آن مورد تأیید قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: روایات نقصان ایمان زنان، گونه‌شناسی، آسیب‌شناسی، مصدرشناسی، سندشناسی.

مقدمه

عبارت «ان النساء نواقص الایمان» - که در خطبه هشتاد نهج البلاغه و برخی دیگر از روایات اسلامی گزارش شده است - با سؤالات و ابهاماتی همراه بوده است. این دست از روایات، در بین

جوامع اهل سنت و شیعه مشترک است و به جهت اعتبارسنجی سندی و مصدري شایسته پژوهش است؛ زیرا یک روایت زمانی ارزش استناد در آموزه‌های دینی را خواهد داشت که اعتبار آن در سه مرحله صدور، جهت صدور و دلالت احراز شود. در مرحله صدور، به سند، مصدر و متن روایت مراجعه می‌شود و در بررسی سندی، عدالت یا ثقہ بودن تک تک افراد واقع در سند بررسی می‌شود. علاوه بر بررسی احوال افراد، اتصال سلسله سند به معصوم علیه السلام نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. وقتی مصدر یا همان کتابی که روایت از آن اخذ شده، معتبر باشد، احتمال صدور روایت افزایش می‌یابد. متن روایت نیز در صورتی که مشوش و متناقض با سایر روایات و آیات قرآن نباشد، به اعتبار حدیث کمک می‌کند. بعد از احراز صدور روایت، جهت صدور باید روشن شود؛ به این معنا که روایت صادر شده برای استفاده و عمل بر طبق آن بیان شده یا جنبه تقیه داشته است؟ در مرحله آخر سراغ دلالت روایت می‌روند تا مفهوم و مراد آن معلوم گردد.

آنچه که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است، تنها مرحله صدور روایات نقصان ایمان زنان است که شامل اعتبارسنجی سندی و مصدري روایات از دیدگاه شیعه و سنی خواهد بود. جهت صدور و دلالت روایات نقصان ایمان زنان مجال دیگری را می‌طلبد.

شایان ذکر است از بین کتاب‌هایی که به این موضوع پرداخته‌اند، می‌توان از کتاب زن در آئینه جلال و جمال نگاشته آیت الله جوادی آملی، نظام حقوق زن در اسلام نوشته استاد شهید مطهری و شخصیت و حقوق زن در اسلام به قلم حجت الاسلام مهدی مهریزی نام برد. در بین مقالات هم دو مقاله خانم فریبا علاسوند با عنوان‌های «جایگاه ارزشی زنان» و «تفاوت‌های طبیعی زن و مرد» چاپ شده در کتاب دانشنامه فاطمی قابل اعتنا است.

همچنین می‌توان به این مقالات مراجعه کرد: «بررسی اسناد و دلالات سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه پیرامون زنان» نوشته مریم فقیه زاده، «معناشناسی ایمان در احادیث ان النساء نواقص الایمان» نوشته حسین افسردیر و طاهره سادات طباطبایی امین، «جایگاه زن در نهج البلاغه» نوشته عزت السادات میرخانی و «تحلیلی بر خطبه ۸۰ نهج البلاغه» نوشته فاطمه علایی رحمانی.

آنچه در بیشتر نوشته‌های مربوط به این موضوع دیده می‌شود، اشکال در اعتبار روایات آن، تغییر در معنای متبادر به ذهن از کلمات روایات، ایجاد شبهات متعدد به مضمون روایات بر فرض صدور است؛ اما در این تحقیق، اعتبار از دست رفته روایات باز می‌گردد، روایات با توجه به معنای

متبادر به ذهن ترجمه می‌شوند و به شبهات در باره آن با توجه به صدور و معنای حقیقی، پاسخ گفته می‌شود. تحقیق در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی توصیفی است.

۱. فراوانی و گونه‌های روایی

روایات نقصان ایمان زنان از یک منظر به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) روایاتی که در آنها واژه ایمان به کار رفته است که این دست از روایات با عنوان «نواقص الایمان» آمده است؛ ب) روایاتی که در آنها واژه دین به کار رفته و با تعابیر مختلفی در متون روایی نقل شده است.

۱-۱. نقصان ایمان

قال امیر المؤمنین علیه السلام: معاشر الناس! ان النساء نواقص الایمان، نواقص الحفظ، نواقص العقول، فاما نقصان ایمانهن فقعودهن عن الصلاة و الصيام فی ایام حیضهن، و اما نقصان عقولهن....؛

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: زنان، دارای کاستی در ایمان و بهره و عقل هستند؛ اما کاستی ایمان آنها به خاطر ترک نماز و روزه در ایام حیض است.... (طبری آملی، ۱۴۱۵ق: ۴۱۸؛ سید رضی، ۱۴۱۲ق: خ ۸۰؛ سید رضی، ۱۴۰۶ق: ۱۰۰؛ سید مرتضی، ۱۴۰۵ق: ۳/ ۱۲۴؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۹۰؛ سید بن طاووس، ۱۳۷۵: ۲۵۳).

در باره زمان و مکان صدور این روایت اختلاف وجود دارد. طبری در المسترشد این جملات را بخشی از نامه طولانی حضرت امیر علیه السلام می‌داند و آن را به اسنادش از شعبی و او از شریح بن هانی به نقل از امام علی علیه السلام آورده است که آن حضرت بعد از تسلط معاویه بر مصر در نوشته‌ای نسبتاً طولانی خطاب به جمیع مؤمنینی که نوشته را می‌خوانند، به بیان اموری پرداخت.

سید رضی در کتاب‌های خصائص الائمه و نهج البلاغه و سید مرتضی در کتاب رسائل، صدور این جملات را بعد از جنگ جمل در مذمت زنان می‌دانند. سید بن طاووس در کتاب کشف المحجبه، نامه‌ای را که طبری آورده بود، نقل می‌کند و می‌گوید:

کلینی در کتاب الرسائل، از علی بن ابراهیم و او به اسنادش، از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت بعد از بازگشت از جنگ نهروان نامه‌ای نوشت و دستور داد برای عموم مردم خوانده شود (سید بن طاووس، ۱۳۷۵: ۲۵۳).

۱-۲. نقصان دین

روایاتی که واژه دین دارد، با تعابیر مختلفی چون: «ضعیفات الدین»، «نواقص الدین»، «ناقصات الدین»، «ناقصه الدین»، «نقصان دینهن» و... در متون روایی آمده است که به عنوان نمونه از هر دسته به یک روایت اشاره می‌شود:

۱-۲-۱. ضعیفات الدین

قال رسول الله ﷺ: ما رایت من ضعیفات الدین و ناقصات العقول اسلب لذی لب منکن؛

رسول خدا ﷺ فرمود: من ضعیف‌دینان و کم‌خردانی که عقل رباینده‌تر از شما برای خردمندان باشد، ندیدم (کلینی، ۱۳۶۳: ۵/۳۲۲؛ صدوق، ۱۴۰۴ق: ۳/۳۹۰؛ طوسی، ۱۴۲۶ق: ۷/۴۰۴؛ طبرسی، ۱۳۸۵: ۱/۴۴۰).

۱-۲-۲. نواقص دین

مر رسول الله ﷺ علی نسوة فوقف علیهن، ثم قال: یا معشر النساء! ما رایت نواقص عقول و دین اذهب بعقول ذی الالباب منکن...؛

رسول خدا ﷺ بر گروهی از زنان می‌گذشت، مقابل آنان ایستاد و فرمود: ای جماعت زنان، کم‌خردان، اندک دینان و عقل رباینده‌تر از شما برای خردمندان ندیده‌ام (صدوق، ۱۴۰۴ق: ۳/۳۹۰؛ طبرسی، ۱۳۸۵: ۲۰۲؛ احمد بن حنبل، بی‌تا: ۲/۳۷۳-۳۷۴؛ ابن خزیمه، بی‌تا: ۴/۱۰۶؛ موصلی، بی‌تا: ۱۱/۴۶۲).

۱-۲-۳. ناقصات الدین

قال امیر المؤمنین (علیه السلام): کنا نحن مع رسول الله ﷺ و هو یذاکرنا بقوله تعالی ﴿و استشهدوا شهیدین من رجالکم﴾... اذ جائت امرأة فوقفت قبالة رسول الله ﷺ و قالت: ... فما بال امرأتین برجل فی الشهادة و المیراث؟ فقال رسول الله ﷺ: ایتها المرأة ان ذلك قضاء من ملک حکیم لا یجور و لا یحیف و لا یتحمل لا ینفعه ما منعکن و لا ینقصه ما بذل، لکن یدبر الامر بعلمه، یا ایتها المرأة لانکن ناقصات الدین و العقل...؛

حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: با پیامبر بودیم و او در باره آیه شهادت در دین سخن می‌گفت. در این هنگام زنی آمد و مقابل پیامبر ایستاد و گفت: ... چرا در شهادت و ارث

دو زن با یک مرد برابر است؟ حضرت فرمود: ای زن این حکم خداوند عادل و حکیم است که ظلم و ستم روا نمی‌دارد آنچه به شما نداده به او نفعی نمی‌رساند و آنچه عطا کرده از او کم نمی‌کند. امور را از روی علم و آگاهی تدبیر می‌کند، این حکم نیز به خاطر این است که دین شما و عقل شما ناقص است ... (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹ق: ۶۵۸ - ۶۶۱؛ بحرانی، ۱۴۱۹ق: ۱ / ۵۶۴).

۱- ۲- ۴. ناقصه الدین

عن الصادق علیه السلام فی خبر طویل فی خلقه آدم و حواء و دخولهما الجنة و خروجهما منها الی ان قال: قال ابن عباس: فنودیت یا حواء! و من الذی صرفک عنک الخیرات الی کنت فیها و الزینة الی کنت علیها قالت الحواء الهی و سیدی ذلک خطیبتی و قد خدعنی ابلیس بغروره و اغوانی و اقسام بحقک و عزتک انه لمن الناصحین لی و ما ظننت ان عبداً یحلف بک کاذباً. قال: الان اخرجی ابدأ فقد جعلتک ناقصة العقل و الدین و المیراث ...؛

امام صادق علیه السلام در روایتی در باره آفرینش آدم و حوا، به نقل از ابن عباس فرمود: ندا شد ای حوا، چه کسی تو را از خیرات و زینتی که در آن بودی محروم کرد؟ حواء گفت: خدای من، این اشتباه من بود و شیطان با حیل خود، مرا فریب داد و به حق تو مرا قسم داد که راست می‌گویم و من گمان نمی‌کردم کسی به خداوند قسم دروغ را اجرا کند. خداوند فرمود: الان از بهشت خارج شو که ما تو را از جهت عقل و دین و ارث ناقص قرار دادیم (بحرانی، ۱۴۱۹ق: ۳ / ۳۵۵؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۴ / ۲۸۶).

۱- ۲- ۵. نقصان دینهن

عن امیر المؤمنین علیه السلام فی قوله تعالی ﴿ان تضل احداهما فتذكر احداهما الاخری﴾ قال: اذا ضلت احداهما عن الشهادة فنسيتها ذكرت احداهما الاخری بها فاستقامتا فی اداء الشهادة، عدل الله شهادة امرأتین بشهادة رجل، لنقصان عقولهن و دینهن ...؛

امام علی علیه السلام در باره گفتار خداوند متعال در آیه شریفه ﴿ان تضل احداهما فتذكر احداهما الاخری﴾ فرمود: اگر یکی از زنان شهادت را از یاد ببرد، دیگری او را یاد آوری کند تا شهادت آن دو استوار شود. خداوند شهادت دو زن را به خاطر کاستی عقل و

دینشان برابر شهادت یک مرد قرار داده است ... (تفسیر منسوب به امام عسکری، ۱۴۰۹ق: ۶۷۵)

۱- ۲- ۶. ناقصات دین

خرج رسول الله في اضحى او فطر الى المصلی فمر علی النساء، فقال: یا معشر النساء! تصدقن فانی اریتمن اکثر اهل النار. فقلن: ویم یا رسول الله؟ قال: تکثرن اللعن و تکفرن العشر ما رأیت من ناقصات عقل و دین اذهب للب الرجل الحازم من احد اکن ...؛

ابو سعید خدری می گوید: رسول خدا ﷺ در روز عید قربان یا فطر به طرف محل برگزاری نماز می رفتند که با گروهی از زنان مواجه شدند. پس فرمودند: ای گروه زنان، صدقه بدهید؛ چون قطعاً من، شما را بیشترین افراد آتش دیدم. پس زنان گفتند به چه علتی این گونه است؟ حضرت فرمود: شما زیاد لعن می کنید و ناسپاس خانواده هستید. در میان کم خردان و اندک دینان اغواگرتر از شما برای مرد خردمند ندیدم (بخاری، ۱۴۰۱ق: ۱/ ۸۳؛ همان: ۲/ ۱۲۶؛ بستی سجستانی، ۱۴۱۴ق: ۱۳/ ۵۴؛ بیهقی، ۱۴۱۰ق: ۱/ ۳۶۵).

۲. مصادر، سیر تاریخی و اعتبار

اعتبار مصادر روایات، متقدم بر اعتبار اسناد و راویان آن است. اعتبار مصادر، متأثر از معیارهایی چون شهرت، صحت انتساب به نویسنده، جایگاه علمی نویسنده، اقوال تاریخی منقولات، ارجاع دهی به مصادر پیشین و ... است که توجه به آن ها قبل از ارزیابی اسناد ضروری است.

۲- ۱. مصادر روایات شیعه

نقل روایات نقصان زنان به سبب ترک نماز و روزه، از قرن سوم شروع شده و مشایخ ثلاث شیعه و صاحبان کتب اربعه شیعه (کلینی، صدوق، طوسی) در سه کتاب از چهار کتاب مهم شیعه (الکافی، من لایحضره الفقیه، التهذیب) آن را نقل کرده اند و در کتب بعدی تکرار شده است. این روایات، از لحاظ اعتبار مصدر در جایگاه ویژه ای قرار دارند که سیر تاریخی نقل آنها در کتب شیعه به شرح ذیل است (بروجردی، ۱۳۸۶: ۱۱۴؛ معارف، ۱۳۸۴: ۵۶).



۲- ۱- ۱. التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام

این کتاب یکی از تفسیرهای روایی شیعه در قرن سوم هجری است. متن تفسیر تا پایان آیه ۲۸۲ سوره بقره موجود است و ۳۷۹ روایت در آن ذکر شده است. بنا بر آنچه در مقدمه این کتاب آمده است، دو تن از موالیان آن حضرت، به نام‌های علی بن محمد بن سیار و یوسف بن محمد بن زیاد - که هر دو اهل استرآباد بودند - در طول مدت اقامتشان در سامرا هر روز خدمت امام رسیده و بخشی از تفسیر را می‌نوشتند که این روایات را محمد بن قاسم استرآبادی، معروف به مفسر جرجانی روایت کرده است.

با وجود قدمت این تفسیر، در مواجهه با تفسیر امام حسن عسکری سه نظریه وجود دارد: نظریه اول. عدم اعتبار تفسیر مذکور: ابن غضائری در کتاب الضعفاء قرن چهارم، علامه حلی در کتاب خلاصه الاقوال قرن هفتم، مقدس اردبیلی در جامع الرواة، قهپایی در مجمع الرجال، سید مصطفی تفرشی در نقد الرجال، ابوالحسن شعرانی، محمد جواد بلاغی، محمد تقی شوشتری در قاموس الرجال از طرفداران این نظریه هستند (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۱۹۴-۱۹۵). نظریه دوم. معتبر بودن تفسیر مذکور: شیخ صدوق در کتاب‌های من لایحضره الفقیه، الامالی، التوحید و علل الشرائع، شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه، طبرسی صاحب الاحتجاج، مجلسی در بحار الانوار، شهید ثانی در منیة المرید، محقق کرکی در اجازه‌اش برای صفی‌الدین این تفسیر را تأیید کرده‌اند (همان، ۱۳۸۴: ۱۹۵-۱۹۶).

نظریه سوم. نه کاملاً صحیح، نه کاملاً باطل: آیت الله مسلم داوری در کتاب اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق و رضا استادی در مقاله‌ای در باره تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام از این گروه هستند و می‌فرمایند:

این کتاب مثل بقیه کتب دارای روایات صحیح و غیر صحیح است و در مورد هر کدام باید بررسی‌های لازم صورت بگیرد (هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۷۷).

آنچه اهمیت دارد، وجود مضمون دو روایت تفسیر منسوب، در باره نقصان ایمان زنان، در کتب معتبر شیعی است. پس نقل مذکور در تفسیر امام عسکری علیه السلام با روایات دیگر تأیید می‌شود. علاوه بر آن، کتب معتبری این روایت را از همین تفسیر نقل کرده‌اند که نشان دهنده پذیرش نویسندگان آنها نسبت به اصل تفسیر مذکور است و حداقل می‌توان نویسندگان این کتب را جزء موافقان نظریه سوم به حساب آورد (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲۷/۳۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۱/۳۰۷؛ بروجردی، ۱۳۸۶: ۱۰۶/۳۰).

۲-۱-۲. المسترشد فی امامة علی بن ابی طالب علیه السلام، نوشته محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق)

این کتاب، اثری کلامی - تاریخی است که در صدد اثبات امامت حضرت علی علیه السلام است و به بیان احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله، مطاعن خلفا و عدم شایستگی آنها برای خلافت می‌پردازد. نجاشی و شیخ طوسی از این کتاب و مؤلف آن نام برده‌اند.

۲-۱-۳. الکافی، نوشته محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ق)

در باره اعتبار روایات کتاب الکافی دیدگاه‌های مختلفی میان دانشمندان امامی دیده می‌شود: نظریه اول. هر چند الکافی از کتب مرجع بوده و مدار استنباط احکام است، ولی بدان معنا نیست که روایات آن به ارزیابی سندی نیاز نداشته باشد. این دیدگاه اکثر علما، به ویژه علمای اصولی مسلک است. ظاهراً نظر دانشمندان نزدیک به عصر کلینی، همین باشد. نظریه دوم. تمام روایات این کتاب قطعی الصدور هستند. این دیدگاه از سوی اخباریان افراطی، همچون ملا امین استرآبادی و ملا خلیل قزوینی مطرح شده است. نظریه سوم. نظریه اخباریان معتدل است. اعتقاد آنها این است که تمام روایات این کتاب حجت است؛ هر چند قطعی نیست. بنا بر هر سه قول، روایات این کتاب اعتبار ویژه‌ای دارند.

۲-۱-۴. من لایحضره الفقیه، نوشته شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)

ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی از چهره‌های سرشناس علمای شیعه در قرن چهارم بوده است. او در این کتاب بنا نداشته هر چه را روایت شده، نقل کند، بلکه روایاتی را نقل می‌کند که از نظر او صحیح و معتبر باشند و به آنها فتوا بدهد. در این کتاب حدود شش هزار روایت نقل شده است که بیشتر فقهی هستند.

۲-۱-۵. نهج البلاغه و خصائص الائمه، نوشته سید رضی (م ۴۰۶ق)

سید رضی در تألیف این کتاب از کتابخانه شخصی خود و کتابخانه‌های بزرگ سید مرتضی با هشتاد هزار جلد کتاب و بیت الحکمة بغداد با ده هزار نسخه و سایر کتابخانه‌ها استفاده کرده است. از منابع سید رضی می‌توان به البیان و التبیین جاحظ، المقتضب مبرد، المغازی سید بن یحیی اموی، الجمل واقدی، المقامات فی مناقب امیر المؤمنین علیه السلام ابو جعفر اسکافی، تاریخ طبری و ... نام برد. در باره اسناد روایات نهج البلاغه نیز می‌توان به کتب مصادر نهج البلاغه و

اسانیده از سید عبد الزهراء خطیب، مدارک نهج البلاغه از هادی کاشف الغطاء و مصادر نهج البلاغه سید هبة الدين شهرستانی مراجعه کرد. نقل وسائل الشیعه و بحار الانوار از نهج البلاغه در مورد نقصان ایمان زنان، به اعتبار آن می‌افزاید.

۲- ۱- ۶. رسائل سید مرتضی (م ۴۳۶ق)

این کتاب نامی است برای مجموعه‌ای از جواب‌های مختلف سید مرتضی که در پاسخ به نامه‌هایی که از شهرهای مختلف برای وی می‌رسید، نوشته شده که آقای رجایی تمام آنها در قالب مجموعه‌ای گردآورده است.

۲- ۱- ۷. تهذیب الاحکام نوشته شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)

این کتاب در شرح و توضیح کتاب المقنعه شیخ مفید نوشته شده است و در تألیف آن از کتابخانه‌های سید مرتضی و شاپور که بسیار بزرگ‌تر از کتابخانه سید مرتضی بوده، استفاده شده است.

۲- ۱- ۸. مکارم الاخلاق نوشته رضی الدین حسن بن فضل طبرسی (قرن ۶)

مؤلف کتاب، فرزند امین الاسلام طبرسی صاحب مجمع البیان است. با توجه به شهرت کتاب، دشمنان شیعه آن را در سال ۱۳۰۳ق، در نجف با تحریفات و تغییراتی چاپ کردند تا چهره شیعه را مشوه نمایند. علامه سید محسن امین در کتاب اعیان الشیعه تمام تحریفات را آورده است. در سال ۱۳۱۴ق، به امر میرزای بزرگ شیرازی نسخ قدیمی این کتاب جمع‌آوری شد و بدون تحریف به چاپ رسید.

۲- ۱- ۹. عیون الحکم و المواعظ نوشته علی بن محمد لیثی واسطی (قرن ۶)

در این کتاب بیش از ده هزار سخن کوتاه امیر المؤمنین علیه السلام جمع‌آوری شده است.

۲- ۱- ۱۰. کشف المحجة لثمره المحجة نوشته سید بن طاووس (م ۶۶۴ق)

اثری است اخلاقی که حاوی سفارش‌های ابن طاووس به فرزندش است.

۲- ۲. مصادر روایات اهل سنت

از اواخر قرن دوم محدثان اهل سنت به فکر تدوین حدیث افتادند. در این خصوص کتب متعددی

نوشته شد که روش تدوین حدیث در آنها یکسان نبود و به مصنفات، مسانید، جوامع و سنن تقسیم می‌شوند. مصنفات به کتاب‌هایی گفته می‌شود که در آنها روایات بر اساس ابواب مدون شده است و در کنار روایات مرفوع، روایات موقوف و مقطوع را نیز در بر دارد. از مشهورترین آنها می‌توان از المصنف عبد الرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ق) و المصنف ابی بکر بن ابی شیبه (م ۲۳۵ق) نام برد.

مسانید کتاب‌هایی هستند که روایات پیامبر ﷺ جدا از فتاوای صحابه و تابعین جمع آوری شده است و روایات هر باب بر حسب نام صحابی روایت کننده، طبقه بندی شده است. نکته دیگر، این که در مسانید، روایات با سند کامل درج شده و روایات مرسل و منقطع کمتر دیده می‌شود. مسند ابی یعلی و احمد بن حنبل از این مسانید هستند. پس از پالایش روایات اهل سنت، جوامع و سنن به ظهور رسیدند. جوامع، جمع جامع است و در اصطلاح محدثان، کتابی است که در آن روایات در همه موضوعات دینی و بر حسب ابواب مختلف گردآوری شده باشد. این موضوعات از نظر محدثان به هشت قسم با عناوین: عقاید، احکام، سیر، آداب، تفسیر، فتن، اشراط الساعه و مناقب تقسیم شده بود. کتب جوامع بسیار است که مشهورترین آنها جامع صحیح البخاری، جامع صحیح مسلم و جامع ترمذی مشهور به سنن الترمذی است. سنن در اصطلاح محدثان کتابی است که در آن احادیث مربوط به احکام بر حسب ابواب مختلف فقهی مرتب و مدون شده باشد. کتب سنن نیز متعدد است که معروفترین آنها سنن ابی داوود، سنن یا جامع ترمذی، سنن النسائی و سنن ابن ماجه است. گاه از باب تسامح به کتاب‌های سنن، جامع نیز می‌گویند؛ زیرا احادیث آن جامع ابواب فقه است (نور الدین عتر، ۱۴۱۲ق: ۱۹۹)

از لحاظ مصدرشناسی، نقل مضمون روایت نقصان ایمان زنان در کتب مورد اعتماد اهل سنت، به ویژه صحیح‌های بخاری و مسلم، اعتبار ویژه‌ای به روایات اهل سنت می‌دهد و سیر تاریخی این روایات در کتب اهل سنت نشان دهنده نزدیک بودن نقل این روایت به عصر معصوم دارد و به شرح ذیل است:

۲- ۱- ۲. مسند الحمیدی نوشته عبد الله بن زبیر حمیدی (م ۲۱۹ق)

۲- ۲- ۲. المصنف نوشته ابن ابی شیبه (م ۲۳۵ق)

عبد الله بن محمد بن ابراهیم بن ابی شیبه از مشایخ مهم روایی اهل سنت است و راویان بزرگ

این مذهب از جمله بخاری، مسلم، ابن ماجه و... از شاگردان او هستند.

۲-۲-۳. مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق)

احمد بن محمد بن حنبل شیبانی مروزی، مکنی به ابو عبد الله است. کتاب مسند او جامع‌ترین مسندی است که از عهد قدیم باقی مانده است. ابو زهو می‌نویسد: اعتقاد به روایات جعلی در مسند احمد آن هم نسبت به بخش زیادات عبد الله و ابوبکر قطیعی، اعتقاد درستی است و اعتقاد به حجت بودن روایات مسند نیز تعارضی با اعتقاد به وجود روایت ضعیف در مسند ندارد (عسقلانی، ۱۴۱۴ق: ۱ / ۶۸).

۲-۲-۴. جامع صحیح بخاری (م ۲۵۶ق)

ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بخاری جعفی از محدثان بزرگ اهل سنت است. به گفته دانشمندان صحیح البخاری نخستین کتابی است که به قصد فراهم آوردن روایات صحیح پیامبر ﷺ جمع آوری شده است. مهم‌ترین ویژگی روایات این کتاب اتصال سند است؛ اما در خصوص وثاقت راویان یا عاری بودن متن از شذوذ، سخن صریحی از بخاری موجود نیست (معارف، ۱۳۹۰: ۶۸).

۲-۲-۵. جامع صحیح مسلم (م ۲۶۱ق)

این کتاب نوشته ابو الحسین مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری است و دومین کتاب از جوامع حدیثی اهل سنت است که ادعا بر صحت همه روایات آن رفته است. در این کتاب، جز در موارد محدودی، از اقوال صحابه و تابعان استفاده نشده است و از این جهت، بر خلاف کتاب بخاری، در صحیح مسلم نکته‌های فقه الحدیثی موجود نیست. ویژگی مهم دیگر در تدوین روایات مسلم، آن است که اولاً وی در حد بخاری به تقطیع روایات نپرداخته است. ثانیاً نه تنها از آوردن یک روایت در باب‌های مختلف خودداری کرده، بلکه روایات تکراری صحیح مسلم در همان باب خود متمرکز شده است. صحیح مسلم با این خصوصیات از نظر برخی علمای اهل سنت اصح کتب روایی قلمداد می‌شود؛ اما به نظر اکثر علمای این مذهب، صحیح البخاری بر هر کتاب دیگر از جمله صحیح مسلم ارجحیت دارد؛ زیرا این کتاب متضمن فواید بیشتری نسبت به کتاب مسلم است (خولی، ۱۹۸۶م: ۶۳).

۲-۲-۶. سنن ابن ماجه (م۲۷۲ق)

ابو عبد الله محمد بن یزید بن عبد الله بن ماجه قزوینی از محدثان مشهور اهل سنت است. ابن ماجه را به عنوان محدثی بزرگ ستوده‌اند و در وصف او القاب ثقة، حافظ، متفق علیه و محتج به را به زبان رانده‌اند. ویژگی بارز سنن ابن ماجه روایات متصل الاسناد آن است که به درستی معرف مشابه او است. از ابن ماجه سخنی بر جای مانده که گفته است:

پس از تألیف سنن، آن را بر ابو زرعه عرضه داشتم. او پس از نظر در آن گفت: به گمان من، در صورتی که این کتاب در اختیار مردم قرار گیرد، جوامع حدیثی و یا اکثر آنها کنار گذاشته می‌شود (ذهبی، ۱۳۷۴: ۲/۶۳۶).

۲-۲-۷. سنن الترمذی (م۲۷۹ق)

ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره سلمی ترمذی از سنن نویسان مشهور اهل سنت است و شاگرد بخاری در حدیث است. بخاری خود به نقل یک حدیث از ترمذی مبادرت کرد که این خود افتخاری برای ترمذی به شمار می‌رفت. علاوه بر آن، بخاری به ترمذی گفته بود که استفاده من از تو بیش از استفاده‌ای است که تو از من کرده‌ای (ذهبی، ۱۳۷۴: ۲/۶۳۴).

۲-۲-۸. مسند ابی یعلی (م۳۰۷ق)

۲-۲-۹. تاریخ الامم و الملوک نوشته ابوجعفر محمد بن جریر الطبری (م۳۱۰ق)

این کتاب به تاریخ طبری مشهور است.

۲-۲-۱۰. صحیح ابن خزیمه (م۳۱۱ق)

ابو بکر محمد بن اسحاق بن خزیمه، مشهور به ابن خزیمه محدث، مفسر و دانشمند معروف شافعی بوده است.

۲-۲-۱۱. الفتوح نوشته ابو محمد احمد بن اعثم (م۳۱۴ق)

وی محدث، مورخ و شاعر قرن چهارم است.

۲-۲-۱۲. صحیح ابن حبان (م۳۵۴ق)

محمد بن حبان احمد ابو حاتم التمیمی بستی از محدثان قرن چهارم هجری است. وی از جمله



محدثانی است که پس از بخاری و مسلم به قصد جمع آوری سایر روایات صحیح، به پژوهش و تحقیق روی آورد و در این زمینه تألیف جامعی به نام المسند الصحیح عرضه داشت. وجود شمار فراوانی از روایات صحیح - که خارج از صحیحین بود - حافظان حدیث را بر آن داشت که به جمع آوری و تدوین آن روایات اقدام کنند. این کار با تألیف صحیح ابن خزیمه آغاز شد و سپس شاگرد او ابن حبان کار استاد را دنبال کرد (علی بن بلبان، ۱۹۹۳م: ۶/۱).

۲-۲-۱۳. المستدرک علی الصحیحین نوشته حاکم نیشابوری (م۴۰۵ق)

به گفته خود حاکم، از آنجا که بخاری و مسلم در جمع آوری و نگارش کتاب‌های صحیح خود، ادعایی مبنی بر آوردن تمام احادیث صحیح نکرده‌اند، وی به درخواست عده‌ای تصمیم می‌گیرد احادیثی را که شروط بخاری و مسلم در صحت حدیث بر آنها صدق می‌کند، ولی آن دو در کتابشان نیاورده‌اند و به دست حاکم رسیده، جمع آوری کند. با توجه به اهمیت دو کتاب صحیح بخاری و مسلم می‌توان به ارزش کتاب المستدرک نیز پی برد.

۲-۲-۱۴. تجارب الامم نوشته ابو علی مسکویه الرازی (م۴۲۱ق)

۲-۲-۱۵. سنن الکبری نوشته ابو بکر احمد البیهقی (م۴۵۸ق)

این کتاب یکی از جامع‌ترین کتب روایات فقهی اهل سنت است و در حدود ۲۲ هزار روایت و اثر دارد که با سند کامل نقل شده است. بیهقی پس از نقل هر روایت غالباً به ذکر مصادر آن می‌پردازد و از ملاحظه این مصادر مشخص می‌شود که تکیه او در اخراج روایات در درجه اول بر کتاب‌های صحیحین، الموطأ مالک، سنن ابی داود و سنن الترمذی است.

۲-۲-۱۶. الکامل نوشته ابن اثیر (م۶۳۰ق)

۲-۲-۱۷. تذکرة الخواص نوشته سبط ابن جوزی (م۶۵۴ق)

۳. اعتبارسنجی سندی روایات

۳-۱. اسناد روایات شیعه

روایات شیعه در مورد نقص دین یا نقص ایمان زنان با استناد به ترک نماز و روزه در بعضی ایام، از لحاظ سندی جایگاه مناسبی ندارد. تنها سند این روایت، در کتاب الکافی ذکر شده است و نیاز

است افراد واقع در سند مورد بررسی واقع شوند. سند روایت یاد شده از قرار ذیل است:
عدة من اصحابنا، عن احمد بن ابی عبد الله، عن ابیه، عن سلیمان بن جعفر الجعفری،
عن ذکره، عن ابی عبد الله (کلینی، ۱۳۶۳: ۵ / ۳۲۲).

۳- ۱- ۱. عدة من اصحابنا

در بسیاری از اسناد کتاب الکافی، اوایل سند حذف شده است که به این کار تعلیق گفته می‌شود و به اعتبار اسناد قبلی صورت گرفته است. معمولاً علت تعلیق، اخذ از کتب بوده و شخص واقع در اول اسناد، مؤلف کتاب مصدر است.

ابو طالب تجلیل تبریزی (۱۳۶۳) می‌نویسد:

عدة من اصحابنا در سند الکافی یکی از جماعات چهار گانه است که نزد اهل رجال شناخته شده هستند و کل آنها ثقة هستند (۳۷۴).

۳- ۱- ۲. احمد بن ابی عبد الله البرقی

وی احمد بن محمد بن خالد البرقی است که نجاشی، شیخ طوسی و ابن داود او را ثقة می‌دانند. نجاشی (۱۴۰۸ ق) می‌گوید: «از ضعفا هم نقل روایت کرده و به روایت‌های مرسل نیز اعتماد کرده است» (۲۰۵ / ۱). ابن غضایری (۱۴۲۲ ق) در مورد ایشان گفته است: «قمیان بر او طعن می‌زدند که از ضعفا نقل روایت می‌کند، ولی فی نفسه ثقة است (۳۹ / ۱).

۳- ۱- ۳. عن ابیه

محمد بن خالد است. شیخ طوسی او را ثقة می‌داند و علامه حلی هم به اعتماد شیخ طوسی، او را تأیید کرده است (طوسی، بی‌تا: ۳۶۳). نجاشی او را ضعیف می‌داند (نجاشی، ۱۴۰۸ ق: ۲ / ۲۲۱) و ابن غضایری (۱۴۲۲ ق) می‌گوید
در بین روایات او هم روایات مقبول است و هم روایات مردود. او زیاد از ضعفا روایت نقل می‌کند و به روایات مرسل اعتماد دارد (۱۹۳ / ۱).

۳- ۱- ۴. سلیمان بن جعفر الجعفری

سلیمان بن جعفر بن ابراهیم الجعفری و پدرش هر دو ثقة هستند (نجاشی، ۱۴۰۸ ق: ۲ / ۱۸۳).

۲-۱-۵. عمن ذکره

در این قسمت از سند، واسطه بین سلیمان بن جعفر و معصوم علیه السلام بیان نشده است که باعث ارسال سند شده است. مجلسی دوم (م ۱۱۰ق) در شرح اصول الکافی و من لایحضره الفقیه، شیخ حر عاملی (م ۱۱۰ق) در وسائل الشیعه به ارسال سند تصریح نموده‌اند (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۲/۳۳۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲۰/۲۵) و مطلبی اضافه نفرموده‌اند که سند را از ارسال خارج کنند. مجلسی اول (م ۱۰۷ق) در شرح من لایحضره الفقیه آورده که این روایت را شیخان (کلینی و طوسی) به صورت القوی کالصحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ۸/۱۰۵). محمد رضا مامقانی (۱۴۱۱ق) در مورد این اصطلاح می‌نویسد:

اصطلاح القوی کالصحیح یعنی راویان سند، امامی بوده‌اند و برخی از لحاظ مدح و ذم مسکوت عنه هستند یا ممدوح به مدحی باشند که به حد حسن نرسیده باشد و این اصطلاح واقع می‌شود بعد از نقات و کسانی که در مورد آنها گفته می‌شود: اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم (۱/۱۷۶).

روایت منقول در کتاب من لایحضره الفقیه هم اگر چه مرسل است، اما عده‌ای از علما، مانند امام خمینی رحمته الله علیه در مورد مراسلات شیخ صدوق می‌فرمایند:

مراسلات صدوق بر دو قسم است: یک نوع از این مراسلات به طور جزم به معصوم نسبت داده شده؛ مثلاً می‌گوید: قال امیر المؤمنین علیه السلام، ولی در مراسلات نوع دوم، صدوق می‌گوید: روی عنه. مراسلات نوع اول، از مراسیل مورد اعتماد است (خمینی، ۱۴۲۵ق: ۴۶۸).

جالب توجه است نقل مرسل شیخ صدوق در روایت شماره یک و دو از مراسیل نوع اول است و به طور صریح روایت را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نموده است. در نتیجه، طبق مبنای کسانی که در اعتبار روایت، فقط به سند توجه می‌کنند، سند الکافی قابل توجه نیست و روایت من لایحضره الفقیه نیز طبق همه مبانی مورد اعتماد نیست. اما اگر مبنای اعتماد به روایت، تراکم ظنون و جمع آوری قرینه‌ها باشد، می‌توان با توجه به نظر مجلسی اول و امام خمینی و قرینه‌های مصدری و متنی، اطمینان به صدور پیدا کرد. لازم به ذکر است که دیدگاه نجاشی به عنوان نقل معیار است.

۳ - ۲. اسناد روایات اهل سنت

روایات مورد بحث، در کتب صحیح بخاری و مسلم موجود است و اهل سنت به این دو کتاب نگاه ویژه‌ای دارند و اسناد آنها را معتبر می‌دانند. از نام کتاب بخاری، الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ایامه، بر می‌آید که مقصود اصلی در این کتاب، روایات صحیح و مسند است.

مبارکفوری طبق نقل محدثان، شرایط بخاری در نقل حدیث صحیح را به شرح زیر بیان کرده است:

۱. تمام راویان سند تا واسطه صحابی از وثاقت برخوردار باشند؛ به طوری که بر وثاقت آنها اتفاق نظر وجود داشته باشد. ضمناً آنان از عیوبی مانند تخلیط و تدلیس برکنار باشند. ۲. در سند حدیث انقطاعی وجود نداشته باشد. ۳. اگر سند حدیث معنعن بوده، ملاقات راوی با شیخ او اثبات شود. ۴. محدثان قبل یا معاصر بخاری بر صحت حدیث اتفاق نظر داشته باشند. ۵. متن حدیث از شذوذ و علل خالی باشد (مبارکفوری، ۱۴۲۲ق: ۱/ ۳۵۰).

حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق) نوشته است:

نخستین درجه از روایات صحیح، روایاتی است که بخاری و مسلم انتخاب کرده‌اند (نووی، ۱۴۰۹ق: ۱/ ۲۷).

ضیاء العامری می‌گوید:

پس از قرآن کریم، صحیح‌ترین کتاب عالم، صحیح البخاری و سپس صحیح مسلم است و مرتبه بخاری نیز بالاتر از صحیح مسلم است (عمری، ۱۳۹۵ق: ۲۳۸).

ابن تیمیه (بی‌تا) بیان می‌کند: «همه روایات این دو کتاب صحیح هستند و هیچ روایت ضعیفی در آنها نیست» (۱۹).

ابن صلاح پا را فراتر گذاشته و اعلام کرده که روایات صحیحین، مفید علم قطعی بوده و از این جهت جایگاه آنها از اخبار آحاد معمولی بالاتر است (معارف، ۱۳۹۰: ۹۵). نکته مهم در اعتبارسنجی سندی روایات اهل سنت، مبنای عدالت صحابه در نزد آنها است که اعتماد به روات را در نزد آنها آسان‌تر از اعتماد به روات در نزد شیعه نموده است. ابن حجر عسقلانی (۱۹۹۵م) به همین مبنا اشاره می‌کند و می‌گوید:

اهل سنت اتفاق نظر بر عدالت همه صحابه دارند و در این موضوع جز تعداد اندکی از



اهل بدعت مخالفت نکرده‌اند (۱/ ۱۷).

جهت بررسی بیشتر به کتاب الحدیث و المحدثون مراجعه شود. (ابوزهو، ۱۴۰۴ق: ۳۹۰)

نتیجه‌گیری

روایات نقصان ایمان زنان با عبارات مختلف در جوامع شیعه و اهل تسنن موجود است. این روایات از لحاظ اعتبار مصدر در جایگاه ویژه‌ای قرار دارند. مشایخ ثلاث شیعه و صاحبان کتب اربعه در سه کتاب از چهار کتاب مهم شیعه آن را نقل کرده‌اند و در کتب بعدی نیز تکرار شده است. صحیح بخاری و مسلم - که معتبرترین کتب روایی اهل سنت است - مشتمل بر این روایات است. در میان اهل سنت، اعتبار سندی نیز دارد؛ چون نقل صحیحین در نزد آنها مساوی با اعتبار کامل روایت است. روایت مرسل کتاب الکافی در نزد شیعه زمانی اعتبار دارد که قرینه‌های دیگری نیز به همراه داشته باشد. بعضی از این قرینه‌ها مربوط به مصدر و بعضی مربوط به دلالت روایت خواهد بود. قرینه‌های غیر دلالتی این روایت مرسل در این مقاله جمع آوری شد و صدور این روایات از معصوم مورد اطمینان قرار گرفت. باید در انتظار بررسی دلالتی ماند. در صورتی که تعارض با آیات قرآن و سایر روایات و عقل سلیم نداشت، مورد تأیید نهایی قرار خواهد گرفت.



کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه: آیت الله مکارم شیرازی؛
۲. ابن خزیمه. (بی تا). صحیح ابن خزیمه، بیروت: المكتبة الاسلامی، اول؛
۳. ابن غضایری، احمد بن حسین. (۱۴۲۲ق). الضعفاء، قم: دار الحدیث، اول؛
۴. ابو زهو، محمد بن محمد. (۱۴۰۴ق). الحدیث و المحدثون، بیروت: دار الكتاب العربی، دوم؛
۵. احمد بن حنبل. (بی تا). مسند احمد، بیروت: دار صادر؛
۶. ابن تیمیه. (بی تا). منهاج السنة النبویه، بیروت: المكتبة العلمیه؛
۷. بحرانی، هاشم. (۱۴۱۹ق). البرهان فی تفسیر القرآن، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، پنجم؛
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱ق). صحیح البخاری، بیروت: دار الفکر، سوم؛
۹. بستی سجستانی، محمد بن حبان. (۱۴۱۴ق). صحیح ابن حبان، بیروت: مؤسسة الرساله، چهارم؛
۱۰. بروجردی، حسین. (۱۳۸۶ ش). جامع الاحادیث الشیعه، تهران: فرهنگ سبز، اول؛
۱۱. بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۱۰ق). معرفة السنن و الآثار، بیروت: دار کتب العلمیه، دوم؛
۱۲. تجلیل تبریزی، ابوبالب. (۱۳۶۳ش). معجم الثقات، قم: نشر اسلامی، دوم؛
۱۳. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام. (۱۴۰۹ق). قم: مدرسه الامام المهدي (عج)، اول؛
۱۴. حجت، هادی. (۱۳۸۶ش). جوامع حدیثی شیعه، تهران: سمت، اول؛
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، اول؛
۱۶. خمینی، روح الله. (۱۴۲۵ق). کتاب البیج، قم: چاپ و نشر آثار امام خمینی، اول؛
۱۷. خولی، محمد عبد العزیز. (۱۹۸۶م). تاریخ فنون الحدیث، بیروت: دار القلم، اول؛
۱۸. ذهبی، شمس الدین. (۱۳۷۴ق). تذکرة الحفاظ، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول؛
۱۹. سبط ابن جوزی. (بی تا). تذکرة الخواص من الامة فی ذکر خصائص الائمه، بی جا: مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لاهل البيت؛
۲۰. سید بن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۷۵ش). کشف المحجّة لثمرّة المهجّة، قم: بوستان کتاب، اول؛

۲۱. سید رضی، محمد بن حسین. (۱۴۰۶ق). خصائص الائمة، تحقیق: محمد هادی امینی، مشهد: آستان قدس رضوی، دوم؛
۲۲. ———. (۱۴۱۲ق). نهج البلاغه، تحقیق و شرح: محمد عبده، بیروت: دار المعرفه، سوم؛
۲۳. سید مرتضی، علی بن الحسین. (۱۴۰۵ق). رسائل المرتضی، قم: دار القرآن الکریم، اول؛
۲۴. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۴ق) من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی، اول؛
۲۵. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۸۵ش). مکارم الاخلاق، قم: دفتر نشر نوید اسلام، اول؛
۲۶. طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۵ق). المسترشد فی امامة علی بن ابی طالب علیه السلام، قم: کوشان پور،
۲۷. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۶ق). تهذیب الاحکام، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، دوم؛
۲۸. ———. (بی تا). فهرس رجال اختیار معرفه الرجال للکشی، قم: منشورات الشریف الرضی، اول؛
۲۹. عجاج الخطیب، محمد. (۱۴۱۷ق). اصول الحدیث علومه و مصطلحه، بیروت: دار الفکر، اول؛
۳۰. عتر، نورالدین. (۱۴۱۲ق). منهج النقد فی علوم الحدیث، بیروت: دار الفکر المعاصر، اول؛
۳۱. عسقلانی، احمد بن حجر. (۱۹۹۵م). الاصابة فی تمییز الصحابه، بیروت: المكتبة العلمیه، اول؛
۳۲. ———. (۱۴۱۴ق). اطراف مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت: دار ابن کثیر، اول؛
۳۳. علوی مهر، حسین. (۱۳۸۴ش). آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، دوم؛
۳۴. عمری، اکرم ضیاء. (۱۳۹۵ق). بحوث فی تاریخ السنة المشرفه، بیروت: مؤسسة الرساله، اول؛
۳۵. علی بن بلبلان. (۱۹۹۳م). صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبلان، فارسی، بیروت: مؤسسة الرساله، اول؛
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ش). الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الكتاب الاسلامیه، دوم؛